الفاظ مستعمل در تفکر پیرامون خداوند متعال

شاگرد: این چهارتا، قوای ادراکی‌ای است که با آن‌ها طمع می‌کنیم خداوند متعال را بشناسیم. یعنی تنها حس را نگفته‌اند. چون هیچ وقت طمع نمی‌کنیم با حس خداوند را بشناسیم. یا فهم است یا عقل است یا وهم است یا ذهن است. چیز دیگری داریم؟

استاد: در آن جلساتی که قبلا صحبت شد، مقداری از آن‌ها بیان شده بود. عقل و فهم و ذهن، در این جا آمده بود، لبّ، خاطر، حاجس، رویه، فکر، ادراک، تقدیر، تصویر (تصویره)، تکییف، مشاعر، حواس، ضمائر. این‌ها چیزهایی است که برای فکر کردن راجع به خدای متعال به کار رفته است. تنها واژه ای که در ارتباط با خدای متعال مشکلی ندارد، «قلب» است. در این باب، روایات خیلی جالبی هست. «رأته القلوب بحقائق الإيمان»[1]. دل، یک دستگاه دیگری دارد.

شاگرد: «القلب حرم اللّه»[2].

استاد: بله؛ «لا َيَسَعُني أَرْضي و َلا َسَمائي و َلَكن ْيَسَعُني قَلْبُ عَبْدي َالْمُؤْمن ِ»[3]. مرحوم مجلسی در بحار یک بابی دارند به نام «باب القلب وصلاحه وفساده». خیلی باب جالبی است. ظاهرا در باب ایمان و کفر است. در جلد شصت و هفتم است. حتما مراجعه کنید و ببینید مرحوم مجلسی چه روایات نابی برای قلب آورده‌اند.

---

[1]. شیخ صدوق، التوّحيد، ج ۱، ص ۱۰۸.

[2]. جامع الأخبار، ج ۱، ص ۱۸۵.

[3]. عوالي اللئالي، ج ۴، ص ۷.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 سپتامبر 2024 11:55:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 فوریه 2025 15:47:45 توسط ... .